پژوهشنامه خراسان بزرگ
شماره ۴۷ تابستان ۱۴۰۱
No.47 Summer 2022
۴۵-۶۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳

بررسی کارکردهای مختلف مدرسان دوره تیموری در هرات (به همراه معرفی چند سند درباره مدرسان دوره تیموری)

سید اصغر موسوی‌تبار: دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
اردشیر اسدبیگی*: استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
سید حسین مجتبوی: استادیار، گروه هنر اسلامی، مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

چکیده

در این پژوهش به بررسی جایگاه و کارکرد مدرسان در خراسان بزرگ در دوره تیموری با محوریت هرات پرداخته می‌شود و با تعریف کارکردهای مختلف سیاسی، اجتماعی فرهنگی، مذهبی و علمی آن، سعی خواهد شد تا جنبه‌های مختلف تأثیرگذاری سنجیده گردد. تاکنون به‌صورت مستقل به مسئله مدرسان به‌عنوان یکی از طبقات کارآمد که نقش مهمی در تحولات مختلف دوره تیموری در خراسان بزرگ داشته‌اند، پرداخته نشده است. روش پژوهش کتابخانه‌ای و آرشیوی می‌باشد و تلاش شده است تا با استفاده از اسناد، نسخ خطی و منابع دست‌اول تاریخی جنبه‌های مختلف موضوع بررسی گردد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توجه تیموریان به مدرسه‌سازی خصوصاً در هرات، باعث شد تا قِشر مُدرس به‌عنوان یکی از طبقات اجتماعی نخبه و کارآمد مطرح گردد. حضور مدرسان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، مذهبی و علمی بستر قدرت‌گیری و تأثیرگذاری آن‌ها را در تحولات مختلف فراهم نموده بود.

واژگان کلیدی: خراسان بزرگ، هرات، مدرسان، دوره تیموری، منشآتِ سندی

Abstract

This paper examines the position and function of professors in the Great Khurasan during the Timurid period of Herat, and by defining various political, social, cultural, religious and scientific functions, it will try to examine the various aspects of impact. The significance of this article is that so far it has not been addressed independently to the problem of professors as one of the most efficient classes that played a significant role in the different events of the Timurid period in Khorasan. The research method is library and archival, and it is tried to add to the content of the article using documents, manuscripts and historical sources. The findings of the research show that Timurid's attention to schooling, especially in Herat, has made the professors class as one of the most elastic and efficient social classes. The presence of instructors in various social, political, religious and scientific fields provided a platform for empowerment and their impact in various developments.

Keywords: Great Khorasan, Herat, Professors, Timurid Period, Monshat Document.

*نویسنده مسئول مکاتبات: (Jafar.asadbeigi@gmail.com :)

مقدمه

شکوفایی هویت فرهنگی در خراسان بزرگ یکی از شاخصه‌های مهم دورهِ تیموری به شمار می‌رود. علاقمندی شاهان، شاهزادگان و صاحب‌منصبان تیموری به فرهنگ و هنر و همچنین توجه و ارادت به علما و مشایخ باعث رشد بسیاری از مظاهر فرهنگی، مانند کتابخانه‌ها و مدارس شد (رحم‌خدا، ۱۳۹۵: ۱۰۰) یکی از نمادهای مهم فرهنگی این دوره مدرسه‌سازی است و در هرات خصوصاً در عصر شاهرخ (۸۵۰-۸۱۱ق) و دوره سلطان حسین بایقرا (۸۷۳-۹۱۱ق) تعداد زیادی مدرسه ایجاد شد و زمینه حضور پررنگ مُدرسان را در عرصه‌های مختلف فراهم نمود. هدف اصلی از نگارش این پژوهش بررسی وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و کارکردهای مختلف مدرسان دوره تیموری در خراسان بزرگ و به‌ویژه هرات است. بدین منظور، ابتدا توضیحاتی درباره انواع مدارس دوره تیموری در هرات ارائه و سعی می‌شود تا نقش و کارکرد مدارس و جایگاه آن‌ها به‌عنوان مهم‌ترین محل حضور مدرسان در سطح جامعه بررسی شود. در ادامه مبحث مدرسان و مؤلفه‌های حضور در صحنه علمی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و نحوه انتصاب و معیشت آن‌ها موردتوجه قرارگرفته و با ارائه جداول آماری، سعی می‌شود تا ضمن ارائه شَمایی از وضعیت مُدرسین در زمینه‌های معیشت، مشاغل اصلی و جانبی و نحوه انتصاب، جنبه‌های مختلف اهمیت جایگاه آن‌ها ارائه شود. در ادامه به‌صورت مختصر جنبه‌های سندشناسی و خصوصاً سندپژوهی ده فرمان صادرشده درباره مُدرسین دوره تیموری در هرات بررسی و تلاش می‌شود تا جنبه‌های اهمیت اطلاعاتی اسناد و ارزش محتوایی آن در ارتباط با موضوع مقاله مشخص گردد. این فرامین در مهم‌ترین منشآت این دوره مانند *خواجه عبدالله مروارید* (مروارید، ۹۷۱) *منشأالانشاء* (نظامی باخرزی، ۱۳۵۷) و برخی منشآت چاپ‌نشده (منشآت ناشناخته، بی‌تا) آمده است.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در این زمینه مقاله، کتاب و پایان‌نامه‌هایی به نگارش درآمده است. در بخش کتاب، همایون‌فرخ در *کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران* در بخش تیموری در اشاره به کتابخانه‌های مهم این دوره اطلاعات مختصری راجع به وضعیت دانش و مدرسان نیز دارد. سلطان‌زاده در *تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون*، برخی از ویژگی‌های تاریخی مدارس این دوره را بیان کرده است. در کتاب‌هایی که درباره فرهنگ دوره تیموری به نگارش درآمده، به‌نوعی به مدارس و مدرسان اشاره‌ای شده است. فرهانی‌منفرد در کتاب *پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان* برخی از مهم‌ترین رجال این دوره را موردبررسی قرار داده است که در نام برخی از مُدرسان نیز دیده می‌شود. نعمتی‌لیمایی در *تاریخ آموزش و پرورش در روزگار فرمانروایی مغولان و تیموریان* ضمن پرداختن به آموزش اشاره‌ای به مدارس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نمادهای آموزشی داشته است. سابتنلی در *امیر علیشیر نوایی و روزگار او* به‌طور مفصل به اقدامات فرهنگی امیر علیشیر پرداخته و در ضمن به مجتمع اخلاصیه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مدارس توجه داشته است. همچنین در *Timurid in transition* مقالاتی درباره حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوره تیموری آمده و به‌طور نمونه به‌صورت مفصل به وقف‌نامه آفاق بیگم به‌عنوان یکی از وقف‌های آموزشی این دوره اشاره شده است.

در مقالاتی مانند *تاریخ کتاب و کتابخانه در ایران* و کی‌منش در *کتابخانه‌های ایران در دوره تیموریان*، *اوضاع فرهنگی خراسان در دوره تیموریان با تکیه‌بر نقش کتابخانه‌ها*، *کتابخانه‌های هرات عهد تیموری و نقش آن در شکوفایی و ارتقاء علم و دانش و توسعه*، *نهادهای آموزشی در دوره تیموری و نقش سلاطین و خواتین در آن*، «*بررسی نقش صاحب‌منصبان دوره تیموری در توسعه فضاهای آموزشی آن عصر*، *مفهوم آموزش و تأثیر آن در معماری مدارس اسلامی (مقایسه تطبیقی مدارس سلجوقی و صفوی)*، *بازاندیشی در کیفیت ارتباط مدرسه و شهر بر پایه تحلیل اجتماع‌پذیری مدارس دوره تیموری تا ابتدای قرن چهاردهم* به بحث آموزش و مدارس دوره تیموری به‌طورکلی پرداخته شده است و فقط در برخی مقالات مانند *بررسی جنبه‌های کمتر شناخته‌شده از امیر علیشیر نوایی*، *تاریخ‌نگاری عقلانیت نقاد: موردکاوی نهادهای علمی و فرهنگی دوره تیموری*، *بررسی شاخصه‌های مجتمع‌های آموزشی وقفی دوره تیموری*، *شاخصه‌ها و*

سیاست‌های آموزشی مجتمع آموزشی تیموری در خراسان بزرگ با رویکرد خوانش کتیبه‌ها برخی نکات جدید درباره نحوه تأثیرگذاری مدارس، نحوه تفکر سازندگان آن‌ها و کارکرد اجتماعی و مذهبی مدرسان ذکر شده است.

درباره نظام آموزشی در دوره تیموری چند پایان‌نامه نوشته شده است. رئیسی نافچی در *نهاد آموزش در عصر حکومت تیموریان* به‌طورکلی به مسئله آموزش و عوامل مؤثر در آن مانند موقوفات پرداخته است. ذرنوخی در پایان‌نامه *آموزش در ایران در قرن نهم هجری (تیموریان و ترکمانان)* به کلیاتی راجع به سیستم آموزشی در دوره تیموری و برخی از آراء دانشمندان و مدرسان پرداخته است. گودرزی در پایان‌نامه *نظام آموزشی در دوره تیموریان* باوجود مقدمه طولانی درباره وضعیت آموزش درباره محتوای نظام آموزشی، تأمین مالی مدارس و برخی از مدرسان اطلاعات مفیدی دارد. ابراهیمی هفشجانی *در بررسی موقوفات نهاد آموزش در دوره تیموریان* به مسئله موقوفات نهاد آموزش و تأثیر آن بر رشد و انحطاط آموزش در عصر تیموریان می‌پردازد. در ارزیابی نهایی درباره پیشینه پژوهش می‌توان گفت که اطلاعات پراکنده‌ای درباره مدارس و ساختار آموزشی آورده شده است، اما پیرامون مدرسان، معیشت و شیوه تدریس و عوامل مؤثر بر آن مطلبی نگارش نیافته است.

روش پژوهش

مهم‌ترین سؤالات مطرح در پژوهش حاضر عبارت است از: انواع مدارس دوره تیموری و کارکرد آن‌ها چیست؟ نحوه انتصاب و وضعیت معیشتی مدرسان به چه صورتی بوده است؟ کارکردهای مختلف مدرسان دوره تیموری در خراسان بزرگ چگونه است؟ ارزش سندشناسی و سندپژوهی فرامین صادرشده برای مدرسان این دوره چیست؟ روش پژوهش آرشیوی و کتابخانه‌ای است و تلاش می‌گردد تا ضمن استفاده از محتوای اسناد و نسخ خطی برای تبیین بیشتر موضوع، اطلاعات تکمیلی در قالب جداول آماری ارائه گردد.

انواع مدارس دوره تیموری و کارکرد آن‌ها

در طول حکومت تیموریان، مراکز آموزشی زیادی ساخته شد؛ در ساخت این مراکز نه‌تنها شاهان بلکه خواتین حرم و شاهزادگان تیموری و وزیران هم سهیم بودند. ازجمله این مراکز، می‌توان به مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها و خانقاه‌ها اشاره کرد. بیشترین و مهم‌ترین این مراکز، مدارس بودند. در این مدارس بود که فقها و دانشمندانی مانند مولانا سعدالدین تفتازانی (۷۹۲-۷۲۲ق) محمد ترمذی هروی، حافظ ابرو، مولانا حسین واعظ کاشفی (۹۱۰–۸۴۰ق) و عبدالرحمن جامی (۸۷۱-۷۹۳ق) به تدریس پرداختند (افصح‌زاد، ۱۳۷۸: ۹۱).

شاهرخ در شمال هرات مدرسه باشکوهی را درتحت القلعه به سال ۸۱۳ ق بنا نمود (زمچی‌اسفزاری، ۱۳۳۹: ۱۱/۲)، چنانچه حافظ‌ابرو درباره دوره شاهرخ آورده که «در ایّام دولت او مدارس هرات به حول علما و افاضل و دانشمندان مشحون گشته و علم و ادب و هنر رواج بسیار یافت» (حافظ‌ابرو، ۱۳۸۰: ۸۱۸/۲) الغ‌بیک در بخارا مدرسه‌ای بنا کرد و برای این بقعه، مدرس و طلبه تعیین نمود. (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۰) گوهرشاد بیگم، همسر دیگر شاهرخ از زنان نیکوکار مدرسه‌ای در شمال شهر هرات، در سر پل انجیل ساخت. سال اتمام این بنا را سال ۸۳۶ ق ذکر کرده‌اند (میرخواند، ۱۳۸۰: ٦٤٥/۲) پریزادخانم، خدمتکار گوهرشادآغا، نیز مدرسه‌ای در مشهد ساخت. خواجه غیاث‌الدین پیر احمد خوافی، وزیر شاهرخ مدرسه-ای به نام غیاثیه در خرگرد ساخت. بایقرا در رساله خود به وجود صدها مدرسه که در زمان وی در هرات وجود دارد، اشاره می‌کند (فرهانی‌منفرد، ۱۳۸۲: ۲۱۸). آورده شده که «دوازده هزار دانش‌اندوز و وظیفه‌بگیر در این زمان در هرات مشغول تحصیل و زندگی بودند» (همان: ۴۰٦). هیلن براند دوره تیموری را عصر طلایی مدارس ایران می‌داند (هیلن‌براند، ۱۳۸۰: ۷۲۲).

مدارس دوره تیموری را می‌توان در چند دسته کلی تقسیم نمود

مدارس وقفی خاص: منظور از مدارس وقفی آن دسته از مدارسی است که به‌صورت وقفی توسط افراد ساخته و برای آن موقوفاتی قرار داده شده است. طیف وسیعی از افراد در پایگاه‌های اجتماعی مختلف مانند، امراء (امیر نظام‌الدین احمد سهیلی، امیر چقماق شامی، امیرعلی که امیر فیروزشاه)، وزرا، صدور و رجال دولتی (پیر احمد خوافی امیرعلیشیرنوایی، کمال‌الدین شیخ حسین)، بانوان سلطنتی

(آفاق بیگم، ملکت آغا) و رجال فرهنگی و ازجمله خود مدرسین (فصیح‌الدین محمد نظامی) (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۸-۱۷٤) در این دوره اقدام به ساختن مدرسه نموده‌اند. این مدارس بر اساس وقف‌نامه اداره می‌شد و درجه‌بندی خاصي در آن‌ها وجود نداشت. آموزش در این مدارس به‌طور کامل برعهدهٔ استاد بود که در چارچوب وقف‌نامه صورت می‌گرفت. علت اصلی ساخت مدارس وقفی را می‌توان در علاقه‌مندی به علم و دین و تلاش برای ماندگاری برشمرد. خصوصاً که در برخی از این مدارس بانیان محلی برای دفن خود در نظر می‌گرفتند (غنیمه، ۱۳۸۸: ۳۰۵). انتخاب متولی، مدرسان و طلاب بر اساس نظران واقف بود و در از سوی حکومت صرفاً بر عملکرد کلی نظارت می‌شد. برخی از این مدارس مانند مدرسه آفاق بیگم جزئی از موقوفات اصلی واقف به شمار می‌آمد.

مدارس وقفی عام: منظور مدارسی است که به نحوی با هزینه اوقاف سلطنتی اداره می‌شد. این مدارس شامل مدارس ساخته‌شده توسط دربار و دیگر طبقات اجتماعی می‌شد، اما عمدتاً مدارس سلطنتی را در بر می‌گرفت. از مدارس سلطنتی می‌توان به مدرسه سلطانی که توسط سلطان حسین بایقرا ساخته شد، مدرسه الغبیگ در بخارا و در سمرقند (سمرقندی، ۱۳٦۷: ۱٥٦) مدرسه گوهرشاد بیگم در هرات (میرخواند، ۱۳۸۰: ۲/٦٤٥) حظیره فیروزه‌بیگم در هرات (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۸) و از مدارس غیر سلطنتی می‌توان به مدرسه سرپل انجیل اشاره نمود (همان: ۱۹٤).

مدارس دوره تیموری به‌تناسب نوع وقف، محل قرارگیری و شکل بنا کارکردهای متفاوتی داشته‌اند. آرامگاهی بودن برخی از آن‌ها که توسط شاه و ملکه و یا برخی صاحب‌منصبان ساخته‌شده بود، زمینه رفت و آمد دائمی را به مدارس فراهم می‌کرد. درعین‌حال برخی از این مدارس مکانی برای برگزاری مراسم خاص نیز بود. علاءالدوله بعد از فتح خراسان، ابتدا به مدرسه گوهرشاد بیگم رفت و یا جهانشاه بعد از تصرف هرات نخست به مدرسه گوهرشاد رفت (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۲۱٤) که احتمالاً برای ادای احترام به مقبره شاهرخ بوده است. از طرفی ساختار معماری برخی از این مدارس به‌نوعی طراحی شده بود تا کارکرد چندجانبه داشته باشد. ساختار گنبدخانه با کاربری‌های مختلف در کالبد مدارس این دوره دیده می‌شود. مدرسه غیاثیه خرگرد، چهار گنبدخانه در چهار کنج بنا دارد. یکی از این دو، دارای کارکرد نیایشی و گنبدخانهٔ دیگر، تالار وعظ بوده که مورد استفاده مردم و طلاب به‌صورت همزمان قرار می‌گرفته است (اوکین، ۱۳۸٦: ٥٤). پیرنیا مدرسه را بعد از مسجد، مهم‌ترین بنای همگانی درون‌شهری می‌داند. در مدارس نیز همانند دیگر ابنیه می‌توان طیفی از قلمروی فردی تا جمعی را مشاهده نمود؛ از حجره‌ها که محل زندگی طلبه‌ها بود، ایوانچه‌ها که گفت‌وگوهای دو نفره در آن رخ می‌داد و ایوان‌ها یا مَدرَس‌ها که محل اصلی تدریس به شمار می‌رفتند به‌تبع افراد بیشتری در مباحثه شرکت می‌کردند.

با مطالعهٔ مدارس دوران اسلامی ایران، مشخص می‌گردد، بیشتر آن‌ها دارای فضایی بوده‌اند که علاوه بر طلاب، مردم نیز از آن استفاده می‌کردند و زمینه تقویت ارتباطات دو قشر را فراهم می‌نمود (پیرنیا، ۱۳۸٥: ۹۱). فضا و فعالیت مدرسه‌ها از زندگی اجتماعی و مذهبی جدا و منفك نبود؛ بلکه در روزهای خاص مذهبی برای انجام مراسم عمومی به روی همگان باز می‌شد و در برخی از مدارس اوقات خاصی برای وعظ همگان اختصاص می‌یافت. این عملکرد در کنار مسائل عبادی و آموزشی، اهمیت محوری مدرسه را به‌عنوان بنای چندمنظوره، در بافت شهری خاطرنشان می‌سازد (وثیق و قراملکی، ۱۳۹٥: ٤۸). این امر در مجتمع‌های آموزشی مانند اخلاصیه که در آن مدارس با خانقاه، حمام، آشپزخانه و مسجد قرار داشتند، نمود بیشتری داشت و کارکرد چندگانه‌ای به این مدارس می‌بخشید و درعین‌حال زمینه تنوع مراجعه‌کنندگان و اختلاط فکری را نیز آماده می‌نمود. درواقع پیوند مدرسه و جامعه و تأثیرگذاری بر آن یکی از کارکردهای مهم مدارس محسوب می‌شد. تعریف نمازخانه و آرامگاه در مدارس یا پیدایش مسجد-مدرسه بر اساس تعریف کاربری‌های همگانی در مدارس شکل‌گرفته و در راستای هدف‌گذاری‌های حکومتی به‌منظور تعامل مردم و طلاب بود (سلطان‌زاده، ۱۳٦٤: ۷۷).

یکی دیگر از کارکردهای مدارس تیموری مراکز آموزشی عملکرد فرهنگی بود. در برخی از مدارس کتابخانه‌ای برای استفاده طلاب و مردم وجود داشت. شاهرخ در ۸۱۳ ق مدرسه شاهرخیه را بنا کرد که در آن کتابخانه بزرگی همراه

با کتب نفیس، وقف قرار داشت (همایون‌فرخ، ۱۳۴۷: ۱۱۲/۲). از مهم‌ترین مدارس این دوره در هرات که دارای کتابخانه بود می‌توان به مدرسه سلطانی، کتابخانه مدارس خواجه کمال‌الدین، کتابخانه مدرسه بدیعیه، کتابخانه مدرسه خواجه اسمعیل حصاری، کتابخانه مدرسه فصیحیه و کتابخانه مدرسه نظامیه اشاره نمود (پرویش و رحیمی، ۱۳۹۲: ۲۸-۷).

جدول ۱: اطلاعات برخی از مهم‌ترین مدارس دوره تیموری (مأخذ: نگارندگان)

نام مدرسه	سازنده	پایگاه اجتماعی	سال ساخت	محل	نوع اداری	کاربری	مساحت
مدرسه و خانقاه فیروز شاه	امیر فیروز شاه	دربار	۸۴۸	تربت‌جام	وقفی خاص	آموزشی. نیایشی. آرامگاهی. مسکونی	-
مدرسه و خانقاه الغ‌بیگ	الغ‌بیگ	شاه	۸۲۰-۸۲۳	سمرقند	وقف	آموزشی. نیایشی. آرامگاهی. مسکونی	۵۰۰ متر، ۱۰۰ حجره
یوسف خواجه (دودر)	یوسف خواجه	امیر	۸۴۳	مشهد	وقفی خاص	آموزشی مسکونی	۵۰۰ متر.۳۲ حجره
پریزاد	پریزاد بیگم	دربار	۸۲۳ ق	مشهد	وقفی خاص	آموزشی. مسکونی	۲۲ حجره
بالاسر	امیرشاه ملک	امیر	۸۰۰	مشهد	وقفی خاص	آموزشی. مسکونی. آرامگاهی	۲۵۰ متر.۲۱ حجره
لطف‌الله جلال‌الدین	مولانا لطف‌الله	صدر	۸۴۲	هرات	وقف خاص	آموزشی. مسکونی	-
غیاثیه خرگرد	غیاث‌الدین خوافی	وزیر	۸۴۸	خرگردخواف	وقف خاص	آموزشی مسکونی	۳۲ حجره
آفاق بیگم	آفاق بگم	ملکه	۹۱۲	هرات	وقف خاص	آموزشی، مسکونی، نیایشی	-
مدرسه و خانقاه سلطانی	بایقرا	پادشاه		هرات	وقف عام	آموزشی، مسکونی، آرامگاهی، فرهنگی	-
مدرسه و خانقاه اخلاصیه	امیر علیشیر نوایی	دربار	۸۷۹	هرات	وقف خاص	آموزشی، مسکونی، نیایشی	-
فصیحیه	فصیح‌الدین محمد نظامی	عالم و مدرس	دوره بایقرا	هرات	-	آموزشی، فرهنگی	-
مدرسه ملکت	ملکت آغا	ملکه	دوره شاهرخ	هرات	-	-	-
مدرسه و خانقاه شاهرخ	شاهرخ	پادشاه	۸۱۳	هرات	وقفی عام	آموزشی، مسکونی، آرامگاهی، فرهنگی	
امیرعلیکه کوکلتاش	امیرعلیکه کوکلتاش	امیر	دوره بایقرا	هرات	وقف خاص	آموزشی، مسکونی، آرامگاهی	-
چهارمنار	بیگم سلطان	ملکه	دوره بایقرا	هرات	وقف خاص	-	-
پیش بره	جلال‌الدین محمد قائنی	عالم و مدرس	۸۳۸	هرات	وقف خاص	آموزشی، فرهنگی	-

جلال‌الدین فرنخودی	قاسم فرنخودی	وزیر	دوره بایقرا	هرات	-	آموزشی، فرهنگی	-
غیاثیه[1]	غیاث‌الدین کرت	سلطان	۷۲۰ ق	هرات	وقف خاص	آموزشی، فرهنگی	۲۰ حجره
خواجه کمال‌الدین حسین	خواجه کمال-الدین حسین	اعیان و بزرگان		هرات		آموزشی، فرهنگی	-
سبزبرامان	ملک معزالدین حسین کرت	سلطان	۷۵۱ ق	هرات		آموزشی، فرهنگی	-
امیرفرمان شیخ	کمال‌الدین فرمان شیخ	امیر	دوره شاهرخ	هرات	وقفی خاص	آموزشی، مسکونی، نیایشی	-
خواجه افضل-الدین محمد کرمانی	خواجه افضل-الدین محمد کرمانی	وزیر	دوره بایقرا	هرات	وقفی خاص		-

نحوه انتخاب و انتصاب مدرسان و شیوه معیشتی مدرسان

شیوه و نحوه انتصاب مدرسان: شیوه و نحوه انتصاب مدرسان یکی از مباحث مهم در این زمینه است. به کار بردن لفظ مُدرس برای کسانی که به هر نحوی تدریس داشته‌اند، یک برداشت عمومی است و بر افرادی که در مدارس وقفی شخصی، مدارس حکومتی که با اوقاف سلطنتی اداره می‌شده‌اند، خانقاه‌ها، حظیره‌ها و گنبدها و حتی مساجد تدریس می‌کرده‌اند، اطلاق می‌شده است که البته کارکرد آن‌ها به‌تبع مکان تدریس و سواد علمی و دینی آن‌ها متفاوت بوده است. برای انتخاب افراد به‌عنوان مُدرس، شایستگی علمی و اخلاقی مدنظر بوده است و در کنار آن در برخی از مدارس مهم، ارتباط با افراد صاحب نفوذ نیز تأثیر داشته است. به نظر می‌رسد که تا قرن نهم اجازه اساتید، مهم‌ترین مدرک برای تدریس بوده و در این قرن اجازه علمی به‌صورت گواهینامه علمی برای پرداختن به شغل تغییر کرده است (غنیمه، ۱۳۸۸: ۳۱۴). ابن‌جماعه معتقد است که علاوه بر شایستگی علمی، یک مُدرس، باید دارای اخلاق بوده و تهذیب درونی و بیرونی داشته باشد و حتی اگر واقف مدرسه شروطی برای انتخاب مدرس تعیین ننموده، اما خود مدرس باید به توانمندی تدریس خود، اذعان داشته باشد (ابن‌جماعه، ۱۳۸۸: ۲۵۵).

انتصاب مدرسان در مدارس وقفی دولتی و خصوصی (عام و خاص) متفاوت بوده است. در مدارس سلطنتی و مهم نوعی گزینش از بین مدرسان انجام می‌شده است و بر اساس اسناد باقیمانده فرمان تدریس توسط شاه صادر می‌شده که بیانگر اهمیت جایگاه آن‌ها بوده است. این فرامین گاهی به‌صورت عمومی برای تدریس یک مدرسه و گاهی برای یک قسمت خاص بوده است. چنانچه در فرمان بایقرا برای تدریس محمد بحرآبادی، یک صُفه از مدرسه واگذارشده (نظامی باخرزی، ۱۳۵۷: ۱۳۰-۱۲۸) یا تدریس صفه شمالی مسجد گوهرشاد به رکن‌الدین مسعود شروانی داده شده است (منشآت اسفزاری، ۱۳۹۸: ۱۲۰-۱۱۸) در فرمان تدریس امیر صدرالدین ابراهیم برای مدرسه بدیعیه نیز منصب تدریس به‌صورت کلی واگذارشده و شروط کلی برای درس آورده شده است. (*منشآت ناشناخته*، بی‌تا: ۱۳۸-۱۳۷) با توجه به منابع گاهی انتصاب توسط رجال حکومتی نیز انجام می‌شده است. کمال‌الدین مسعود شیروانی از دانشمندان علم کلام و منطق در اواخر قرن نهم که مدتی در مدرسه اخلاصیه تدریس می‌کرد، پس از فوت قاضی نظام-الدین محمد (قاضی هرات) از سوی امیر علیشیر به‌عنوان مدرس مدرسه غیاثیه انتخاب گردید (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۳). برخی از مدرسین صرفاً در یک مدرسه تدریس

---

۱. تأسیس برخی این مدارس مانند غیاثیه قبل از دوره تیموری بوده است.

می‌کردند، مانند امیر مرتاض که تا آخر عمر در مدرسه اخلاصیه تدریس نمود و در همانجا دفن شد (نوایی، ۱۳۶۳: ۹۵). کمال‌الدین حسین نیز تنها در مدرسه اخلاصیه تدریس کرد. به نظر می‌رسد این ماندگاری بیشتر در مدارس وقفی خاص که دارای وقف‌نامه و نظام مشخص پرداخت بوده است، وجود داشته، اما مُدرسینی بودند که همزمان در چند جا به تدریس می‌پرداخته‌اند. ازجمله ملازاده ابهری که در حدیث و فقه شافعی استاد بود و در مدرسه شاهرخ، مدرسه سلطانیه و خانقاه اخلاصیه به فعالیت مشغول بود. (همان: ۲۲۴-۲۲۳) مدرسینی که مشاغلی غیر از مدرسی نیز داشته‌اند، معمولاً در یک مدرسه تدریس می‌کردند. نظام‌الدین محمد قاضی هرات در مدرسه اخلاصیه مشغول تدریس بود (همان: ۲۰۸). گاهی مدرسان همزمان چند شغل را در اختیار داشته‌اند. چنانچه الغ‌بیگ منصب درس و فتوی، امور شرعی و قاضی‌القضاتی را به مولانا قطب‌الدین احمد داد. امیرجمال‌الدین عطاءالله علاوه بر تدریس در مدرسه شریفه سلطانیه و خانقاه اخلاصیه، هفته‌ای یک نوبت در مسجد جامع هرات موعظه می‌نمود (خواندمیر، ۱۳۳۹: ۳/۳۵۹).

میزان مناصب در اختیار مدارس و چگونگی ارتباط آن‌ها با مقامات حکومتی بر شکل و نوع تدریس تأثیر داشت. جابجایی در مدارس و عزل از تدریس نیز امری معمولی بوده است. گاهی این جابجایی نشانه‌ای برای ارتقا مُدرس بوده است، چنانچه انتقال کمال‌الدین مسعود شروانی از مدرسه گوهرشاد به غیاثیه که به وصیت واقف آن باید اعلم علمای هرات در آن تدریس می‌کرده است، نوعی ارتقاء جایگاه برای وی محسوب می‌شد. گاهی نیز مدرس به دلایلی از شغل خود عزل می‌شده است. چنانچه مولانا خلیل‌الله مدرس مدرسه گوهرشاد آغا و خانقاه اخلاصیه، به دستور امیر علیشیر حذف گردید (همان: ۳۴۴-۳۴۳). بر اساس مطلبی که اسفزاری درباره انتخاب مدرس برای مدرسه گوهرشاد آورده، مشخص است که گزینش بین افراد صورت گرفته و حتی اختلاف‌نظرهایی نیز در این امر رُخ می‌داده است. در اعطای منصب تدریس مدرسه سلطانیه شاهرخ به مولانا محمد سیاوش و مولانا بحرآبادی، کمال‌الدین مسعود شروانی از این‌که این کار و شغل به استادش جامی واگذار نشده بود، دلخور بود (نظامی‌باخرزی، ۱۳۷۱: ۶۹).

واگذاری محل تدریس در مدارس نیز گاهی باعث اختلاف بود، زیرا اهمیت حضور مدرسان در محل تدریس به‌اندازه‌ای بود که گاهی یک صُفه به نام آن‌ها نامیده می‌شد. مشخص کردن محل نشستن افراد در مدارس مهم بیانگر آن است که ضمن ایجاد هویت برای مکان، تلاش می‌شده تا به مدرسان نوعی شخصیت داده شود. در مدرسه شاهرخ چهار صُفه درس وجود داشته که در اختیار جلال‌الدین اوبهی، جلال یوسف، نظام‌الدین عبدالرحیم و مولانا خواجه ناصرالدین بوده است (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۲۲۷). از نکات جالب در فرامین تأکید بر استقلال رأی مدرسان و عمل به قوانین مشخص تدریس در مدارس است (منشآت اسفزاری، ۱۳۹۸: ۱۲۳-۱۲۴). یکی از کارکردهای مُحتَسِبان در دوره تیموری نظارت بر کار کسانی بود که به تدریس مشغول بودند و چنانچه فردی شایستگی تدریس نداشت با او برخورد می‌شد (همان: ۳۲۴). در فرمان احتساب در *منشأ‌الانشاء* نظارت بر کار مدارس در زمره وظایف محتسب شمرده‌شده است (نظامی‌باخرزی، ۱۳۵۷: ۱۲۴-۱۲۲).

۲-۲: وضعیت معیشتی مدرسان: بانی هر مدرسه برای اداره مدرسه و موقوفات آن برای دانش‌پژوهانی که از شهرها، مدرسه‌ها و مساجد و نقاط دوردست برای فراگرفتن علم آمده بودند، محل سکنا می‌ساخت تا در آن اقامت نمایند و برای هر طلبه‌ای با توجه به میزان درآمد موقوفات و سطح یادگیری مقرری وضع می‌کرد تا بتواند به تحصیل ادامه دهد. این مقرری در مدارس وقفی خاص از محل موقوفات و در وقفی عام از محل اوقاف سلطنتی بوده است. مهم‌ترین راه تأمین درآمد مدرسان، از راه **وقف** بود. چنانچه در رساله سلطان حسین بایقرا آمده است که «به عنایت خداوند حاصل اوقاف به مخارج همه آنان می‌رسد و روزگار آن‌ها با فراغت می‌گذرد» (فرهانی‌منفرد، ۱۳۸۲: ۲۱۸). درآمد مدرسان چنانچه در مدارس وقفی تدریس می‌کردند، بر پایه وقف‌نامه بود. در مدرسه آفاق بیگم ۱۲۰۰ دینار کُپَکی به مدرس داده می‌شد (Subtenly, 2007: 341) و در مدرسه اخلاصیه نیز ۱۲۰۰ دینار کُپَکی به مدرس داده می‌شد. (حسن‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۵) که در مقایسه با درآمد

سایر کارکنان مدرسه بعد از متولی، بیشترین میزان درآمد را داشته است. داشتن مناصب و مشاغل جانبی نیز منبع مهم درآمدی بود. غُنیمه مواردی مانند دستمزدهای خصوصی و هدایای جانبی را نیز در زمره درآمد مدرسان برمی‌شمارد و البته یادآوری می‌کند که «نگاه مدرسان به درآمدزایی صرفاً تا حدی پسندیده است که رفع نیازهای آن‌ها را بنماید و مدرس باید وقت خود را به مطالعه، مباحثه و مناظره اختصاص و سرگرم امور دنیوی نگردد» (غنیمه، ۱۳۸۸: ۲۹۸). با توجه به جایگاه استاد در مدرسه که گاهی سرپرستی و نظارت اوقاف مدرسه را نیز بر عهده داشت، مَمَری درآمدی نیز برای او محسوب می‌شد.

بررسی فرامین صادره درباره مدرسان از سوی شاه نیز حاکی از اهمیت وقفی بودن مدرسه و شروط وقف در پرداخت دارد. در حکم مدرسی فصیح‌الدین لاژی پرداخت وظیفه منوط به «به دستور شرط واقف و استمرار با دو طلبه» آمده است (مروارید، ۹۷۱: ۱۵۸-۱۶۰). در حکم بحرآبادی نیز پرداخت وظیفه وی به همراه مُعید و طلبه‌ها بنا به دستور و شرط واقف آمده است. (نظامی‌باخرزی، ۱۳۵۷: ۱۳۰) در فرمان تدریس مدرسه سلطانی برای جمال‌الدین عطاءالله به سال ۸۹۲ ق یک نفر مُعید و پانزده طلبه برای او در نظر گرفته‌شده که هزینه آن‌ها باید از محصولات موقوفات سلطنتی پرداخت می‌شده است (همان، ۱۲۷). در فرمان تدریس امیر صدرالدین ابراهیم برای مدرسه بدیعیه به پرداخت حقوق مطابق دستور واقف اشاره شده است. (منشآت ناشناخته، بی‌تا: ۱۳۷-۱۳۸) با توجه به شرایط وقف که بر عدم دخالت عمال حکومتی تأکید دارد، صدور این نوع فرامین جای ابهام دارد چه در مدارس وقفی بر اساس متن و وقف‌نامه اداره امور به عهده متولی منصوب‌شده می‌باشد که باید طبق شروط واقف، حقوق تعیین‌شده توسط وی را پرداخت نماید و در مدرسه آفاق بیگم صراحتاً اشاره‌شده که عُمال حکومتی حق دخالت ندارند. (Subteny, 2007: 298) البته ممکن است صدور این فرامین در راستای اعتباربخشی و نظارت کلی بر مدارس بوده است؛ خصوصاً آن‌هایی که واقف اصلی در قید حیات نبوده است.

به غیر از موقوفات منابع مالی دیگری نیز برای تأمین مالی مدرسان در نظر گرفته می‌شده است. در فرمانی سلطان حسین بایقرا که شمس‌الدین محمد را از خدمت خود به دلیل استقبال مردم به جلسات درس وی معاف نمود، دستور داد مبلغ ۱۵ هزار دینار بطریق نذر به وی پرداخت شود (مروارید، ۹۷۱: ۱۵۲-۱۵۰). در فرمان تدریس مولانا خواجه ضیاءالملک ترمذی به‌عنوان مدرس مزار منسوب به حضرت علی(ع) در بلخ، محل پرداخت حقوق از نذورات و موقوفات تعیین شده است و حتی پیش‌بینی زراعت در املاک وقفی مزار از سوی پسر وی شده است. (نظامی باخرزی، ۱۳۵۷: ۱۳۱) در سند جالب دیگری، به فرزندان مولانا خواجه نظام الدین احمد، خواجه جلال‌الدین یوسف و خواجه نورالدین عبدالرحمان که قاضیان هرات بودند و در مدرسه بیگم مشغول به تحصیل هستند، جهت تأمین هزینه تحصیل آن‌ها از املاک خالصه واگذار شده است (همان: ۱۸۲).

محل سکونت مدرسان تا حد زیادی بسته به‌جایی که تدریس می‌کردند نیز داشت. در مجتمع‌های بزرگ مثل اخلاصیه در حجره‌هایی در خود مدرسه ساکن بودند. گاهی مُدرس در مدرسه‌ای تدریس و در مدرسه دیگری ساکن بود (ابن‌جماعه، ۱۳۸۸: ۴۶۴). در مواردی مدرس می‌توانست در جای دیگری غیر از محل تدریس ساکن گردد. مولانا حیدر در خانقاه اخلاصیه ساکن بود (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۴). امیر علیشیر حجره کمال‌الدین مسعود را در اختیار مولانا شهاب گذاشت که در مدرسه دیگری تدریس می‌کرد (همان: ۲۳۲).

کارکردهای مختلف مدرسان دوره تیموری درخراسان بزرگ

مدرسان در دوره تیموری کارکردهای گوناگونی داشته‌اند و کارکردهای آنان از علمی گرفته تا سیاسی و مذهبی بسته به مکان تدریس، نوع ارتباطات حکومتی و مشاغل جانبی متفاوت بوده است.

کارکرد مذهبی: هرچند مدارس دارای عملکرد آموزشی بودند، ولی این آموزش در چارچوب مسائل مذهبی صورت می‌گرفت. بنابراین در مدارس، محلی به‌عنوان نمازخانه اختصاص می‌یافت و یا گنبدهای آن‌ها کارکرد مذهبی و نیایشی داشت (وثیق و قراملکی، ۱۳۹۵: ۴۸). به نظر می‌رسد، کارکرد مذهبی مدارس بسته به نوع مدرسه و طراحی ساختمان آن متفاوت بوده است (ویلبر، ۱۳۷٤: ۱٦۵). ماهیت مدارس این دوره، خصوصاً آن‌هایی که به‌صورت مجتمع بودند، زمینه آمد و شد مردم را فراهم کرده

بود و وظایف فرادرسی را به آن‌ها می‌داد که در زمینه مذهبی پررنگ بود. نوع دروس مدارس این اقتضا را داشت تا مدرس احاطه کامل به مسائل شرعی نیز داشته باشد و به گفته شهید ثانی در «رعایت مسائل شرعی مانند یک روحانی و در دنبال کردن علم مانند یک دانشمند باشد» (شهیدثانی، ۱۳۶۹: ۱۰۱). برپایی مجالس درس در مساجد به‌عنوان یکی از مراکز تدریس از قرون اولیه مطرح و تدریس در مساجد بزرگ زیر نظر سلطان بوده است (ابن‌جماعه، ۱۳۸۸: ۳۷۷). علاوه بر مساجد در دوره تیموری گنبدخانه‌هایی که به آن حظیره[1] می‌گفتند، مانند فیروزه‌بیگم نیز کارکرد درسی داشت و برای مدرس و طلاب در نظر گرفته شده بود (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۶).

در فرمان تدریس رکن‌الدین مسعود شروانی برای مدرسی دارالسیاده سلطانی به وظایف او در زمینه درس و فتوی و مجلس علم و تقوی اشاره شده است که به ماهیت مذهبی شغل وی اشاره دارد (اسفزاری، ۱۳۹۸: ۱۲۰-۱۱۸). درواقع ماهیت تدریس در مدارس دینی این دوره می‌طلبید تا مدرس اشراف کاملی به مسائل شرعی و مذهبی داشته باشد و در صورت ضرورت در مجالس وعظ و خطابه در کنار تدریس شرکت نموده و یا برگزار نماید. چنانچه برخی مدرسان در کنار شغل تدریس به آن می‌پرداختند. در اختیار داشتن مناصب مذهبی یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار حضور مدرسان بوده است. شمس‌الدین محمد اوحد مدرس مدرسه برامان همزمان به‌عنوان خطیب مدرسه گوهرشاد انتخاب گردید (فصیح خوافی، ۱۳۳۹: ۲۷۵). در یکی از فرامین صادره تدریس برای محمد موسوی علاوه بر سمت تدریس حدیث در حرم امام رضا(ع)، شغل مهرزدن و تأیید نهایی فتاوی و سجلات دینیه و دعاوی نیز واگذار شده است (نظامی‌باخرزی، ۱۳۵۷: ۱۳۲). اختیارالدین حسن تربتی در زمره مدرسان بزرگ این دوره که در مدرسه اخلاصیه تدریس می‌کرد، در زمره قاضیانِ دارالقضاء هرات نیز بوده است (خواندمیر، ۱۳۳۹: ۳۵۵/۴) و کتاب مهمی با عنوان *مختار علی مذهب المختار* درباره نحوه سندنویسی شرعی در دوره تیموری نوشته است. جلال‌الدین محمد قائنی از علمای بزرگ دوره شاهرخ و محتسب این دوره ضمن تدریس در مدرسه، مدرسه‌ای نیز ساخت و برای شاگردان خود اجازه‌نامه‌هایی صادر کرده است (کاشفی، ۲۵۳۶: ۳۴۰).

کارکرد علمی مدرسان: در زمان حکومت شاهرخ، علوم دینی مانند دوره‌های قبل رواج و رونق داشت و اساس آن بحث‌های مذهبی و کلامی، مبتنی بر عقاید اهل سنت و جماعت بود (جامی، بی‌تا: ۵۰) و ورود دانشمندان از دیگر مناطق به هرات باعث گسترش علم و ادب شده بود. گسترش علوم اما بیشتر به شرح و حاشیه‌نویسی و پیروی از دانشمندان و عالمان دوره‌های قبل بود. درواقع در این علوم نوآوری خاصی به وجود نیامد، علومی که در اثر علاقه و توجه سلاطین تیموری ازجمله الغبیک فرزند شاهرخ رشد زیادی کرد، دامنه علوم ریاضی بود. برخی محققان معتقدند که وضعیت علمی این دوره نسبت به گذشته -به لحاظ نوآوری- نقصان داشته است (صفا، ۱۳۷۵: ٤/۸٦-۷۹).

سیستم تدریس در مدارس دوره تیموری نیازمند داشتن اساتیدی بود که بر علوم مختلف آگاه باشند. مدرسان بزرگ این دوره معمولاً با عنوان جامع علوم و فنون شناخته می‌شدند. چنانچه برای مولانا داود خوافی به‌عنوان اولین مدیر مدرسه و خانقاه الغبیگ آمده که «جامع در علوم و فنون است، بَر وَجهی که از علم و معنی نکته و دقیقه فوت نشود» (واصفی، ۱۳۴۹: ۱۴). درباره شرایط خاص مدرسان برای تدریس در این دوره منبعی وجود ندارد، اما به استناد کتاب *منیه‌المرید* که دستورالعملی برای آموزش در جهان اسلام محسوب می‌شود، برای استادی بایدتفسیر، حدیث، فقه، نحو و صرف، معانی و دیگر علوم آگاهی داشته باشد (شهیدثانی، ۱۴۰۹: ۱۳۱). مدرسان برای تدریس علمی نیز سطح‌بندی می‌شدند و طیفی از آن‌ها که علاوه بر مبانی با علوم عقلی، پزشکی، حساب و دانش‌های طبیعی نیز آشنا بودند، در زمره مدرسان طراز اول محسوب می‌شدند (ابن‌جماعه، ۱۳۸۸: ۸۲). در احکام تدریسی نیز که از دوره تیموری باقیمانده بر علوم دینی و فنون تأکید شده است. در حکم قطب‌الدین لاژی به «افاده علوم و از اصول و فروع و اشاعه فنون از منقول و مشروع» اشاره شده است (مروارید،

۱. اسم [عربی: حظیرَة] محوطه؛ چهاردیواری، مقبره.

۹۷۱: ۱۶۰-۱۵۸) و یا در حکم تدریس بحرآبادی به «افاده علوم دینیه و اشاعه فنون یقینیه» اشاره می‌شود (باخرزی، ۱۳۵۷: ۱۳۰-۱۲۸). در حکم تدریس امیر صدرالدین ابراهیم نیز بر همین مضمون تأکید شده است (منشآت ناشناخته، بی‌تا: ۱۳۸-۱۳۷).

دیدگاه علمی مدرسان این دوره ممکن بود تحت تأثیر شیوه و نوع تدریس نیز قرار گیرد. در مدارسی مانند اخلاصیه که خانقاه و مدرسه و مسجد با هم قرار داشت. گاهی نگرش مدرسان تحت تأثیر اساتید و یا سایر مدرسان قرار می‌گرفت و ممکن بود تمایلات عرفانی نیز پیدا نمایند (صفا، ۱۳٦۸: ۶۸/۴-٦٧). چنانچه قطب‌الدین لاژی از طرف قطب‌الدین جامی به خواجه عبدالقادر نامه نوشت و اظهار دوستی نمود (یوسف‌اهل، ۱۳۵٦: ۵۲۳/۴-۵۲۰). شاهرخ بعد از تکمیل مدرسه در سال ۸۱۳ ق علاءالدین چشتی را به‌عنوان متولی و مدیر مدرسه انتخاب کرد (فوربزمنز، ۱۳۹۲: ۳۶۹).

مهم‌ترین وجه علمی مدرسان، تدریس در مدارس بوده که نوع و میزان حضور آن‌ها بسته به نوع مدارس و سیاست‌های آن متفاوت بوده است. در مدارس وقفی حضور و کارکرد علمی آن‌ها بستگی به وقف‌نامه داشته است. در وقف‌نامه مدرسه اخلاصیه انتظار از کارکرد علمی مدرسان نیز ذکر شده است و به دو عالم مذهبی وارسته اشاره‌شده که باید در زمینه فقه اسلامی و سنت‌های پیامبر در صُفه غربی و شرقی تدریس نمایند (سابتنلی، ۱۳۹۵: ۹۱). قاضی زادهٔ رومی، *شرح ملخّص* را که شرحی است بر کتاب *الملخص فی الهیئه* از آثار محمود بن محمد چغمینی خوارزمی، برای میرزا الغ‌بیگ تألیف کرد. جمال‌الدین حسینی آثاری در تاریخ، حدیث و تفسیر دارد. مهم‌ترین کتاب او *روضة الاحباب فی سِیرالنبی و الآل و الاصحاب* است که آن را به خواهش امیر علیشیر نوائی (متوفی۹۰٦ق)، وزیر سلطان حسین بایقرا، در سه جلد به فارسی نگاشته است (خواندمیر، ۱۳٦۲: ۳۵۹/٤) و مولانا فصیح‌الدین محمد نظامی معروف به آخوند، مدرّس علوم عقلی و نقلی و حکمت و ریاضی و مؤلف *حاشیة هدایه* در حکمت، *حاشیة تذکره شرح اربعین نووی*، *حاشیة مختصر* و *حاشیة مطّول* بوده است (خواندمیر، ۱۳۳۹: ۲۸۸/۷). نوایی درباره او آورده که «از علوم ظاهری هیچ علمی نباشد که او درس نگوید» (نوایی، ۱۳٦۳: ۱۰۷). امیر صدرالدین ابراهیم مشهدی نیز از علمای مشهور عصر حکومت سلطان حسین بایقرا است که در مدرسهٔ سلطانی و خانقاه اخلاصیه نیز تدریس می‌کرده است (خواندمیر، ۱۳٦۲: ۳۵۲/٤). نکته پایانی این‌که برخی از مدرسان خود اقدام به ساختن مدرسه در این دوره نمودند و گامی در جهت گسترش مرزهای دانش برداشتند. ازجمله مولانا لطف‌الله در هرات مدرسه‌ای نزدیک مزار پیرمجرد و مولانا فصیح‌الدین محمد مدارسی بنا کردند (خواندمیر، ۱۳۳۹: ٦٤٠/۳).

رقابت علمی بین مدرسان که گاهی سیاسی نیز می‌شد، از شاخصه‌های فعالیت‌های علمی مدرسان دوره تیموری است. اختلاف بین تفتازانی و جرجانی و شاگردان آن‌ها یکی از مهم‌ترین کشمکش‌های علمی این دوره است که تأثیر زیادی بر نگارش کتب درسی و ارتباط مدرسان با دربار داشت (فوربزمنز، ۱۳۹۲: ۳۴۴). اوبهی از شاگردان تفتازانی و استاد مدرسه شاهرخ، سخنان افتتاحیه مدرسه را نپسندیده و به آن اعتراض نمود (واعظ، ۱۳۵۲: ۸۴). برخی از مدرسان این دوره علاوه بر فعالیت‌های علمی، شعر نیز می‌سرودند. برهان‌الدین عطاءالله به درخواست بابر رساله‌ای در زمینه معما مسما به *جواهرالاسماء* نوشت (نوایی، ۱۳٦۳: ۹۱). نوایی در *مجالس النفایس* از مولانا کمال‌الدین حسین شروانی و فصیح‌الدین محمد نظامی اشعاری آورده است (همان: ۱۰۷).

کارکرد سیاسی: ارتباط سیاسی و اداری مدرسان در این دوره امری اجتناب‌ناپذیر بود. بنای بیشتر مدارس حتی مدارس وقفی خاص نیز توسط درباریان و رجال بزرگ حکومتی به انجام رسیده بود و بیشتر مدرسان ناگزیر از ارتباط با حکومت بودند. حضور علما و امرا در مدارس برای درس خواندن ضمن تقویت سنت مدرسه‌سازی ارتباطات سیاسی را نیز پررنگ می‌نمود. چنانچه امرای نامداری چون امیر فیروزشاه و علیکه کوکلتاش در مدارس حضور یافته و خود نیز مدارسی احداث کردند. این ارتباط گاهی از طریق رابطه استاد شاگردی و روابط خانوادگی و مهم‌تر از آن در اختیار گرفتن مناصب سیاسی شکل می‌گرفت. مولانا فصیح‌الدین ابراهیم، استاد امیر علیشیر بود و داماد فصیح‌الدین، صدرالدین یونس نیز در زمره مدرسین مهم دوره بایقرا است (واصفی، ۱۳۴۹: ۳۹۵/۱). مولانا شمس‌الدین محمد، صدر

ابوسعید و مولانا داود پسر شمس‌الدین محمد، صدر سلطان محمد پسر ابوسعید از شاگردان شمس‌الدین محمد جاجرمی بودند (همان: ۲/۳۱۸-۳۱۶).

بر عهده داشتن مناصب سیاسی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حضور مدرسان در ساختار سیاسی دوره تیموری است. در اختیار گرفتن این مناصب بسته به نوع و شکل ارتباط مدرسان داشت و معمولاً شامل مدرسانی بود که منصب رسمی تدریس در مدارس وقفی خاص نداشتند و در کنار مشاغل مورد تصدی، به تدریس نیز می‌پرداختند. چنانچه خواندمیر می‌آورد که مولانا فتح‌الله تبریزی (وفات ۸٦۷ق) از صدرهای دوره ابوسعید همزمان به شغل تدریس نیز می‌پرداخت (خواندمیر، ۱۳۸۰: ٤/٥۱). کمال‌الدین شیخ حسین که از علما و مدرسین بزرگ دوره تیموری است و به گفته واصفی «هیچ‌کس را یارای مباحثه و مناظره با او نبود» (واصفی، ۱۳٤۹: ۱/۳۱۸) منصب صدر را در اختیار داشت. برخی از مدرسین علاوه بر تدریس به امر قضاوت نیز می‌پرداختند. از مهم‌ترین قاضیان مدرس، می‌توان به اختیارالدین حسن تربتی، نظام‌الدین فراهی و قاضی شمس‌الدین عبدالله اشاره نمود. قاضیان این دوره بیشتر از میان مدرسان، خطیبان و مُحتسبان انتخاب می‌شدند (فوربزمنز، ۱۳۹۲: ۳٦۲) که با توجه به‌ضرورت داشتن دانش مذهبی برای تدریس در بین مدرسان، امری قابل‌قبول است. البته روابط سیاسی گاهی منجر به تیرگی روابط بین خودِ مُدرسان با دربار نیز می‌شد. چنانچه شیخ حسین که از وضعیت خود در زمان ابوسعید گورکانی ناراضی بود، در زمان بایقرا رشد نموده و منصب احتساب‌الممالک را به دست آورد (اسفزاری، ۱۳۸۰: ۱٦۷). این آمد و شدها در برخی از موارد ضمن تحمیل مشکلاتی برای مدرسان، شخصیت علمی آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد. کمال‌الدین عبدالواسع نظامی باخرزی مدتی منصب دیوان رسالت را در دربار داشت و مسئول نوشتن تاریخ سلطان حسین بایقرا بود که قبل از اتمام از دربار اخراج شد و اثر او به اتمام نرسید. وی که مدرس بود و در تفسیر، حدیث، فقه، عرفان و ادب دستی داشت (مایل‌هروی، ۱۳۷۰: ۱٦۹) در گمنامی زندگی کرد و اوراق پراکنده کتابش تحت عنوان *منشأالانشاء* توسط شاگردش خوافی جمع‌آوری گردید (حسن‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۱). جدا از مناصب سیاسی تدریس در دربار نیز از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی بود. عصام‌الدین داود خوافی، مدتی معلم خصوصی فرزند ابوسعید و صدر این دوره بود و جمال‌الدین عطاءالله که از سادات دشتکی شیراز بوده و مدتی در خانقاه اخلاصیه و مدرسه تدریس می‌کرد، منصب رسالت پروانه را به دست آورد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ٤/ ۳٥۸).

در پایان بحث کارکردهای مدرسان توجه به مسئله تصوف و عرفان و تأثیر آن بر کارکرد مدرسان ضروری است. در این دوره تصوف و نهادهای مرتبط باآنکه عمدتاً بر پایه آموزه‌های معنوی و توصیه به کناره‌گیری از مسائل دنیوی بود با نهادهای سیاسی ارتباط پیدا کرد. اهتمام تیمور و جانشینان وی در احترام و اکرام مشایخ تصوف باعث رونق خانقاه‌ها و زاویه‌ها گردید و عملاً باعث نزدیکی طریقت به شریعت گردید، به‌نحوی‌که جداسازی آن‌ها از هم دشوار بود (میرجعفری، ۱۳۸٥: ۱۷۷). خانقاه‌ها، از سدهٔ هفتم تا دهم هجری، نقش خاصی در سلسله سازمان‌های علمی ایران داشته‌اند، زیرا از سویی به‌عنوان یک عبادتگاه محترم و مَصُون از تعرض بودند و از سوی دیگر، محلی برای درس و بحث و مطالعه و نیز نگهداری، ذخائر فرهنگی ایران شدند. در قرن نهم هجری سلسله‌های معروف و مهمی از صوفیه، مانند نقشبندیه، نعمت‌اللهیه و نوربخشه، در این دوره، تقویت و یا ایجاد شد که همگی دارای خانقاه بودند و علاوه بر این، سلاطین تیموری در امر بزرگداشت مشایخ و بنای مراکز خانقاهی و دادن کمک مالی به آن‌ها، اهتمام می‌کردند. امرا و بزرگانِ خاندان تیموری هم به تأسی و پیروی از فرمانروای معاصر خود، نسبت به ایجاد خانقاه‌ها علاقه‌مندی نشان می‌دادند. درنتیجه در دوره تیموریان، شمار خانقاه‌های ایران رو به فزونی گرفت. به دنبال تشکیل خانقاه‌ها، فعالیت‌های علمی و آموزشی در این مراکز دنبال شد (نافچی، ۱۳۸۳: ۱٦۰).

این نزدیکی در مجتمع‌های آموزشی این دوره مانند اخلاصیه که همزمان مدرسه و خانقاه داشت، قابل‌مشاهده است. مجموعه‌ای که امیر علیشیر تحت عنوان اخلاصیه به دلیل اخلاص در وقف نام‌گذاری کرده است. مجموعه متنوعی را شامل می‌شود که برخی آن را با مجموعه وقفی رشیدالدین فضل‌الله همدانی مقایسه کرده‌اند. این مجموعه شامل یک مسجد به نام قدسیه، بیمارستان شفائیه، خانقاه خلاصیه

مدرسه به نام اخلاصیه بوده است (سابتنلی، ۱۳۹۵: ۹۸). درمجموع بر اساس مطالعه منابع مکتوب تاریخی، چنین نتیجه می‌شود که فضاهای مجتمع اخلاصیه شامل مسجد جامع، مدرسه، دارالحفاظ، دارالشفاء، خانقاه و گنبدخانه می‌باشد و رود انجیل از میان این مجموعه می‌گذرد. همچنین مجموعه فضاهای اخلاصیه، خانقاه و گنبدخانه در جنوب رود انجیل و سایر فضاها، در شمال آن رود واقع شده است.

بررسی محتوایی وقف‌نامه نشان می‌دهد که برای مدرسه و خانقاه شرایط یکسانی در نظر گرفته شده بود و حقوق معلمین و متعلمین آن یکسان بود. علمای بزرگی در این دوره در مدرسه و خانقاه اخلاصیه تدریس می‌کردند که می‌توان به مولانا کمال‌الدین مسعود شیروانی (خواندمیر،۱۳۸۰: ۳۴۳/٤)، مولانا شهاب (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۳۲)، امیر اختیارالدین حسن و امیر برهان‌الدین عطاالله اشاره نمود. (همان: ۲۲۰). از مُدرسین خانقاه نیز می‌توان خواجه عماد-الدین عزیز مشتهر به ملازاده ابهری (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۵) مولانا خلیل‌الله، امیرجمال‌الدین عطاالله و امیر صدرالدین مشهدی را نام برد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ٤/۳۵۲). کارهای علمی در مدرسه و خانقاه با ویژگی‌هایی که گفته شد، ابزار مناسبی برای بهره‌برداری‌های سیاسی بود، زیرا هم از فِرَق و جریان‌های علمی موردنظر خود حمایت نموده و هم از طریق فعالیت‌های تبلیغی آنها برای خود کسب مشروعیت می‌نمود (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷٤).

علاوه بر مدرسین مدارس و خانقاه که به‌نوعی پیونددهنده ارتباط بین نهادهای علمی و تصوف بودند، رجالی نیز بودند که شأن و جایگاه آنها بالاتر از منصب رسمی تدریس بوده و به‌عنوان دانشمندان شاگردپرور نفوذ زیادی بر حکومت داشتند. از مهم‌ترین این افراد می‌توان به خواجه عبیدالله احرار (۸۰۶-۸۵۹ق) اشاره نمود. خواجه عبیدالله احرار از صوفیان پرآوازه و مشهور و بانفوذ خراسان و ماوراءالنهر در قرن نهم هجری بوده است. وی به‌عنوان یکی از صوفیان طریقت نقشبندیه از جایگاه علمی و اقتصادی در خراسان و ماوراء-النهر برخوردار بود. عبدالرحمان جامی نیز نزد پادشاهان علما و عرفای دوره خود معزز و محترم بود و در فرهنگ زمان خود نفوذ بسیاری داشت. تقَرُب جامی به درگاه سلطان‌حسین به حدی بود که غالباً وزرا و امرا و رجال، او را شفیع کار خود قرار می‌دادند. وی نیز به طریقت نقشبندیه تمایل داشت (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۰).

جدول ۲: برخی از مهم‌ترین مدرسان دوره تیموری در هرات (مأخذ: نگارندگان)

نام مدرس	محل تدریس	دوره تاریخی	مشاغل جانبی	روش و دیدگاه
مولانا ملازاده ابهری	مدرسه سلطانی، خانقاه اخلاصیه	دوره بایقرا	-	فقه حنفی و شافعی و حدیث
مولانا کمال‌الدین حسین	مدرسه اخلاصیه (مدفون گنبد اخلاصیه)	۸۹۸ق فوت	-	شاعر و معما
نظام‌الدین عبدالقادر	یکی از صفه‌های مدرسه سلطانی	۹۲۵ق فوت	قاضی هرات و نقابت سادات	-
امیر برهان‌الدین	مدرسه گوهرشاد و نظامیه	دوره بایقرا	-	علوم دینی و مسائل یقینی
نظام‌الدین محمد	مدرسه اخلاصیه	دوره بایقرا	قاضی هرات	علوم دینی و مسائل یقینی
مولانا خلیل زاده	مدرسه گوهرشاد و خانقاه اخلاصیه در هرات	دوره بایقرا	-	-
شیخ علی بسطامی	مدرسه شاهرخ در بسطام	شاهرخ	مدیر مدرسه	-
مولانا قاضی‌زاده رومی	مدرسه الغبیگ در سمرقند	۸۸۹ق فوت	مدیر مدرسه	-
مولانا زاده عثمان	مدرسه سلطانی و اخلاصیه	۹۰۱ق	-	علوم و فنون و مسائل دینی

مولانا فتح‌الله تبریزی	هرات	۸۶۷ق	صدر	-
اختیارالدین حسن تربتی	مدرسه خواجه ملک زرگر و اخلاصیه	۹۲۰ق فوت	قاضی هرات	فقه، حدیث و شعر
مولانا محمد سیاوش	مدرسه سلطانیه در هرات	-	-	-
مولانا محمود اوبهی	غیاثیه	دوره ابوسعید	صدر ابوسعید	-
فخرالدین اوحد مستوفی	تدریس در منزل، سبزوار	۸۶۸ق	-	نجوم، شعر، طب و استیفا
شمس‌الدین بردعی	مزار خواجه عبدالله انصاری	دوره بایقرا	-	-
مولانا جنید	مکتب شخصی	دوره بایقرا	-	-
نظام‌الدین محمد گازرگاهی	غیاثیه	ابوسعید	قاضی	علوم دینی
مولانا غیاث‌الدین طبیب	مدرسه اخلاصیه و گازرگاه	دوره بایقرا	-	حکیم و طبیب
شمس‌الدین محمد براعی	مدرسه اخلاصیه و گازرگاه	دوره بایقرا	-	حکیم
برهان‌الدین عطاالله رازی	مدرسه شاهرخ و خانقاه اخلاصیه	۹۰۲ ق	-	شاعر
جمال‌الدین عطاءالله حسینی	مدرسه سلطانی و خانقاه اخلاصیه	ق۹۲۷ فوت	منصب رسالت پروانه	تاریخ-حدیث و تفسیر
مولانا مسعود شروانی	غیاثیه و اخلاصیه	۹۰۵ق فوت	-	کلام و منطق
مولانا سعدالدین	غیاثیه	ابوسعید	-	علوم معقول
عصام‌الدین داود خوافی	مدرس شاهزاده محمود میرزا	ابوسعید	صدر	-
مولانا شمس‌الدین محمد بحرآبادی	مدرسه سلطانیه	دوره بایقرا	-	-
مولانا شمس‌الدین محمد اوحد	سبزبرامان	دوره بایقرا	خطیب و امام مسجدجامع	
کمال‌الدین شیخ حسین	مدرسه شاهرخ	۸۸۸ق فوت	احتساب ممالک کل	-
امیر اصیل‌الدین عبدالله	مدرسه شاهرخ	شاهرخ	-	علم تفسیر و حدیث و انشاء
قاضی شمس‌الدین عبدالله	مدرسه سلطانی	دوره بایقرا	قاضی	-

جنبه‌های سندپژوهی و سندشناسی فرامین مدرسان

یکی از ویژگی‌های این مقاله استفاده از یازده عدد فرمان در تحلیل جایگاه مدرسان در دوره تیموری می‌باشد. این فرامین در منشآت خطی، چاپ‌شده و چاپ‌نشده، این دوره آمده و کمتر در پژوهش‌های صورت گرفته، درباره مدرسان، استفاده شده است. هرچند آنچه تحت عنوان «فرمان‌های مدرسان» در این پژوهش مورد استفاده قرارگرفته، رونوشتی آزاد از فرامینی است که توسط نویسندگان منشآت یادداشت و بعضاً اضافاتی نیز توسط آن‌ها وارد محتوا شده است، اما بازهم از جنبه سندشناسی وسندپژوهی دارای ارزش و اهمیت است. در قسمت سندپژوهی که در متن مقاله به آن ارجاعاتی داده شد، موضوعاتی مانند محل تدریس، علت انتخاب مدرس، شرح وظایف عمومی و خصوصی مدرسان، شیوه معیشت و نحوه تأمین آن، نحوه گزینش و شروط لازم برای تدریس به‌طورکلی آمده است و در قسمت سندشناسی نیز به ساختار اسناد، سیستم صدور سند، خطاب گیرندگان، مقدمه و انگیزه صدور اشاره شده است.

اسامی فرامین: در انتخاب فرامین سعی شد تا از منشآت گوناگون با مضامین متفاوت و در زمان‌های مختلف در دوره تیموری فرامینی انتخاب گردد تا ضمن در بر گیری بیشتر محتوا، تنوع ساختاری فرامین نیز بیشتر مشخص گردد. بیشتر این فرامین تاریخ ندارد و با توجه به دوره نویسنده و تطبیق محتوایی امکان زمان‌سنجی اطلاعات آن وجود دارد.

-انتخاب مولانا شمس‌الدین محمد بحر آبادی، برای تدریس مدرسه سلطانی باغ جهان‌آرای هرات، متصل به لنگر نعمت‌آباد (نظامی‌باخرزی، ۱۳۵۷: ۱۳۰-۱۲۸) (سند ۱).

-فرمان تدریس قطب‌الدین لاژی (منشآت ناشناخته ١٤١؛ منشآت خواجه عبدالله مروارید، ١٦٠-١٥٨).
-منشور تدریس مولانا رکن‌الدین مسعود شروانی (منشآت اسفزاری، ١٢٠-١١٨).
-فرمان تدریس مولانا سید افضل‌الدین محمد موسوی در آستان قدس رضوی (نظامی باخرزی، ١٣٥٧: ١٣٢-١٣٠).
-واگذاری املاک خالصه به سه تن از مدرسان مدرسه بیگم بزرگ. مولانا خواجه نظام‌الدین احمد و خواجه جلال‌الدین یوسف و خواجه نورالدین عبدالرحمن در هرات و هرات رود (نظامی باخرزی، ١٣٥٧: ١٨٣-١٨٢).
-فرمان تدریس صدرالدین ابراهیم (منشآت ناشناخته، ١٣٨-١٣٧).
-حکم تدریس مولانا فصیح‌الدین محمد نظامی (منشآت مروارید، ٩٧١: ١٥٢-١٥٠).
-حکم تدریس مدرسه میرزا سلطان احمد برای ابولفتح غیاث‌الدین محمد سلطان (منشآت اسفزاری، ١٢٤-١٢٣).
- نشان امیر شمس‌الدین محمد سید یوسف (منشآت مروارید، ٩٧١: ١٤٥-١٤٤).
-فرمان انتصاب مولانا خواجه ناصرالدین ضیاءالملک‌الجامی ترمذی برای تصدی و تدریس مزار فایض‌الانوار امام المتقین حضرت امیرالمؤمنین سلطان الاولیا و برهان الاتقیا اسدالله الغالب علی بن ابی‌طالب علیه الصلوة و السلام در شهر بلخ (نظامی باخرزی، ١٣٥٧: ١٢٨-١٣٠).
-فرمان تدریس مولانای اعظم جمال‌الدین عطاءالله برای مدرسه سلطانی نهر انجیل هرات (نظامی‌باخرزی، ١٣٥٧: ١٢٨-١٣٠).

جدول ٢: بررسی موردی تحلیل شاخصه‌های سندشناسی در فرامین تدریس دوره تیموری (مأخذ: نگارندگان)

عنوان منشآت	گیرنده فرمان تدریس	خطاب گیرندگان	مقدمه صدور	انگیزه صدور	گیرنده فرمان	وظایف شغلی	مواجب	مخاطبان خاص	اهداء	تاریخ
اسفزاری	غیاث‌الدین محمد سلطان	-	*	*	*	-	*	-	*	*
اسفزاری	مولانا رکن‌الدین مسعود شروانی	-	*	*	*	-	*	-	-	-
ناشناخته	فصیح‌الدین محمد نظامی	-	*	*	*	*	*	-	*	-
ناشناخته	حکیم لاژی	*	*	*	*	*	*	-	*	-
مروارید	مولانا محمد بحرآبادی	*	*	*	*	*	*	*	*	-
مروارید	مولانا صدرالدین ابراهیم	*	*	*	*	*	*	-	*	-
منشأالانشاء	مولانا جمال‌الدین عطاالله	*	*	*	*	*	*	*	*	-
منشأالانشاء	خواجه ناصرالدین جامی ترمذی	*	*	*	*	*	*	*	*	-
منشأالانشاء	افضل‌الدین محمد موسوی	*	*	*	*	*	*	*	*	*

(سند ۱)

سواد فرمان انتخاب مولانا شمس‌الدین محمد بحرآبادی

برای تدریس مدرسه سلطانی باغ جهان‌آرای هرات متصل به لنگر نعمت‌آباد

تقسیم‌بندی موضوعی متن سند	متن سند
خطاب گیرندگان	اصـول شـجره دین و دولت و فروع دوحه ملک و ملت ابقاهم الله تعالی و رقاهم مدارج العز و العلی و ارکان دولت راسخة البنیان و اعیان حضرت قاهره البرهان اصلح الله احوالهم وانجح بالخیر والسـعاده آمالهم بدانند
انگیزه صدور	که در نظر خجسـته اثرعقل روزافزون که مدرس «انی اعلم مالاتعلمون» است مخفی و محجوب نماند که به‌حکم «ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عندالله هو خیراً» و «اعظم اجراً» اقامت وظایف بذل مجهود در سرّاوضراً **وظیفه همت همایون ماسـت** و اتفاق مواجب مآل در سرعلانیه راتبه دولت روزافزون ما، لاجرم به خلوص نیت و صـفای طویت روی دل متوجه انشاء و ابداع انواع بقاع خیر می‌گردانیم و از اعداد خیرات جسیمه و امداد صدقات عمیمه رایت تربیت اسباب مناهج ارباب استحقاق باوج رفعت و «رفعناه مکاناً علیا» می‌رسانیم
موضوع فرمان	و از آن جمله مقارن این احوال که در شارع خیابان قدیم دارالسلطنه هرات صینت عن تطرق الآفات قریب در شمالی **باغ جهان‌آرای** متصـل به لنگر دریا نوال نعمت‌آباد که علی‌الدوام و الاتصال نیت تربیت عظمای علمای زمان و ترتیب اسـباب رفاهیت خاطر طالبان و متوجهان از مایده موهبت الهی بوفور نعمت‌آباد باد. بنای مدرسـه عالی چنانکه فراخور همت معلّای مع آلای ما تواند بود، امر فرمودیم، فضایش چون ریاض بهشت باصفا و هوایش نمودار نسیم خلد روح‌افزا، بعد از آنکه دو دانشـمند ماهر متبحر از خواص دوده‌ی اکابر که «علم عَلَم من عَمَل یدعی عظیما فی ملکوت السـماء» از قبه گنبد خضـرا درگذرانیده‌اند و در حل غوامص مسـایل دین، خامه افنا قایم مقام پیشـوایان پیشـین گردانیده برگزیدیم، پرتو التفات برسـاحت
گیرنده فرمان	احوال مولانا العالم الفاضـل الکاشـف معضـلات جمیع المسـایل مولانا شـمس‌الدین محمد بحرآبادی فاضـت انوار کمالاته که از علمای متبحر روزگار در استکمال علوم دینی به منطق فصیح و حکمت صریح اختصاص‌یافته
وظایف شغلی	و در تحقیق حقایق و ماعیات به اشـارات شـافیه و تنبیهات کافیه شرح مقاصـد افهام اوهام بدسـتوری مقرر و محرر داشته که وجیز و بسیط عبارات و استعارات به توضیح و تنقیح فصـلی از آن باب وفا نماید انداخته او را در آن امر جلیل‌القدر شریک و سـهیم ایشـان گردانیدیم تا بر سـبیل انفراد
شرایط واگذاری	و اسـتقلال در صـدر ایوان یکی از چهار صُـفه مدرسـه همایون به رشـح افاضـه انوار علوم و معارف و تدریس و افاده انواع حقایق و لطایف مشغول بوده به دستیاری تقریر هدایت مآل از چشمه‌سار زلال افضال خود انهار فواید و اسرار بر ریاض اسـتعدادات طالبان صـادق هوشـیار روان گرداند
مقدار واگذاری	و روز بروز در موافقت صـدق و اخلاص بر مطالعه و مذاکره علوم شرعی مواظبت نموده ارباب طبع سـلیم و اصـحاب ذهن مستقیم را بر مقدار اسـتحقاق و مبلغ اسـتیهال به حظّ تمام و نصـیب کمال فایز و بهره‌مند داشته از حضیض خمول به اوج قبول رساند.
	وظیفه همگنان آنکه:
خطاب خاص	مولاناءافاضل المشارالیه را متصدی این امر شریف دانسته آنچه به راه و رسم آن متعلق و منسوب باشد و مفوّض دانند
خطاب خاص	وظایف مرسومات مشافهه و مشاهره (۲ کلمه افتادگی) اعالی وادانی حوزه درس او بی قصـور و احتباس از حاصـل موقوفات که در وقف‌نامچه همایون بارز خواهد گشـت و اصل گردانند.

نتیجه‌گیری

جایگاه مدرسین در دوره تیموری خصوصاً در عصر شاهرخ و سلطان حسین بایقرا، با توجه به گسترش مدارس و سیاست‌های فرهنگی آن‌ها برجسته است و این حضور در چارچوب کارکردهای مختلف سیاسی، مذهبی و فرهنگی به ظهور رسیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انواع مدارس دوره تیموری مانند مدارس وقفی خصوصی، مدارس وقفی سلطنتی و مدارس غیروقفی با توجه به تنوع اداره و شرایط وقف بر کارکرد مدرسان تأثیر مستقیم داشته است. همچنین وضعیت معیشتی مدرسان و نحوه دریافت حقوق

آن‌ها نیز تابعی از نوع مدارس، کارهای جانبی و ارتباطات آن‌ها بوده است که معمولاً مطابق شرایط وقف‌نامه و فرامین صادره از دربار صورت می‌گرفت. انواع کارکردهای مدرسان بسته به نوع شغل و ماهیت تدریس داشته و تدریس در مدارس دینی خصوصاً در سطوح بالا نیازمند دانش مذهبی در حد اجتهاد بوده است و در کنار آن کارهای جانبی مانند وعظ و خطابه و مناصب مذهبی مانند احتساب و قضاوت رویکرد مذهبی را تقویت می‌کرده است. در بُعد سیاسی نیز علاوه بر در اختیار داشتن مناصب سیاسی مانند صدر، برخی ارتباطات سیاسی با امراء و رجال و مشاغل خاصی مانند مدرس خصوصی برای شاهزادگان نقش آن‌ها را پررنگ‌تر کرده بود. در زمینه علمی نیز هرچند برای تدریس باید دانش مکفی می‌داشتند، اما برخی از این مدرسان در زمره دانشمندان بزرگ زمان خود محسوب و موردتوجه پادشاهان بودند. این پژوهش می‌تواند الگویی برای مطالعات بعدی در بررسی کارکرد مدرسان در دیگر دوره‌های تاریخی بوده و راه را برای مطالعات وسیع‌تری مانند مطالعه کارکردها و تعاملات متقابل طبقات اجتماعی عصر تیموری هموار می‌نماید.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی‌هفشجانی، صدیقه. (۱۳۹۳). «بررسی موقوفات نهاد آموزش در دوره تیموریان (۷۸۲-۹۱۲ق)». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۲. افصح‌زاد، اعلی‌خان. (۱۳۷۸). ***آثار و شرح احوال جامی***. تهران: میراث مکتوب.

۳. اوکین، برنارد. (۱۳۸۶). ***معماری تیموری در خراسان***. ترجمه علی آخشینی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

٤. آهنگری، محبوبه؛ و حشمت‌الله متدین. (۱۳۹۵). *«بازاندیشی در کیفیت ارتباط مدرسه و شهر بر پایه تحلیل اجتماع‌پذیری مدارس دوره تیموری تا ابتدای قرن چهاردهم»*. ***هنرهای زیبا***. (شماره ٤)، ٥-١٦.

۵. باخرزی، عبدالواسع. (۱۳۵۷). ***منشأالانشاء***. به‌کوشش رکن‌الدین همایون‌فرخ. تهران: دانشگاه تهران.

٦. باقری، محمد. (۱۳۷۵). ***از سمرقند به کاشان (نامه‌های غیاث‌الدین جمشید کاشانی به پدرش)***. تهران: علمی و فرهنگی.

۷. پرویش، محسن؛ و عبدالرفیع رحیمی. (۱۳۹۲). «کتابخانه‌های هرات عهد تیموری و نقش آن در شکوفایی و ارتقاء علم و دانش». ***مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان***. (شماره ۸)،۷-۲۸.

۸. پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۵). ***آشنایی با معماری اسلامی ایران***. تهران: سروش دانش.

۹. جامی، نورالدین عبدالرحمن. (۱۳٦۳). ***دیوان کامل جامی***. تهران: پیروز.

۱۰. جماعه، بدرالدین. (۱۳۸۸). ***آموزشنامه: فرهنگ فرادهی و فراگیری در اسلام***. گزارش و پژوهش محمدحسین ساکت. تهران: نشرنی.

۱۱. حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله. (۱۳۸۰). ***زبده التواریخ***. تصحیح سید کمال حاج سید جوادی. ج٥. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۲. حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). «منشآت‌های دورۀ تیموری (بر اساس تحلیل منشأالانشاء)». ***گنجینه اسناد***. (شماره ٤)، ٦-٢٥.

۱۳. خزایی، محمد. (۱۳۸۸). «ساختار و نقش‌مایه‌های مدارس دوره تیموری در خطه خراسان». ***مطالعات هنر اسلامی***. (شماره ۱۱)، ٥۹-۷۸.

١٤. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۳۹). ***(تکمله) تاریخ روضة الصفا***. تهران: کتابخانه خیام.

۱۵. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳٦۲). ***تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر***. به‌کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابخانه خیام.

۱٦. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۷۲). ***مآثرالملوک: به‌ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایی***. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

۱۷. خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۸۰). ***تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر***. تصحیح محمود دبیرسیاقی. تهران: کتابفروشی خیام.

۱۸. ذرنوخی، مریم. (۱۳۹۰). «آموزش در ایران در قرن نهم هجری (تیموریان و ترکمانان)». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۹. راقم سمرقندی، میرسید شریف. (۱۳۸۰). ***تاریخ راقم.*** به‌کوشش منوچهر ستوده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

۲۰. رحم خدا، رقیه. (۱۳۹۵). «بررسی دستاوردهای علمی و فرهنگی شاهرخ تیموری». ***تاریخنامه خوارزمی.*** (شماره ۱۲)،۹۹-۱۱۶.

۲۱. رئیسی‌نافچی، ریحانه. (۱۳۸۳). «نهاد آموزش در عصر حکومت تیموریان». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد.*** دانشگاه الزهرا تهران، دانشکده تاریخ ادبیات و زبان‌های خارجی.

۲۲. زمچی اسفزاری، معی‌الدین محمد. (۱۳۳۹). ***روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات.*** تصحیح محمد کاظم امام. ج۱. تهران: دانشگاه تهران.

۲۳. زمچی اسفزاری، معی‌الدین محمد. (۱۳۹۸). ***منشآت اسفزاری.*** تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس.

۲۴. سابتنلی، ماریا. (۱۳۹۵). ***امیرعلیشیر نوایی و روزگار او.*** ترجمه جواد عباسی. مشهد: طنین قلم.

۲۵. سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶٤). ***تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون.*** تهران: آگاه.

۲۶. سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق. (۱۳٦۵). ***مطلع سعدین و مجمع بحرین.*** تصحیح محمدشفیع لاهور. ج۲. رشت: چاپخانه گیلانی لاهور.

۲۷. سمرقندی، محمد بن عبدالجلیل؛ و ابوطاهر خواجه. (۱۳٦۷). ***قندیه و سمریه: دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند.*** به‌کوشش ایرج افشار. بی‌جا: موسسه فرهنگی جهانگیری.

۲۸. شهیدثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۲٦۹ق). ***منیة المرید فی أدب المفید و المستفید.*** ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی. تهران: علمیه اسلامیه.

۲۹. طلایی، مریم؛ و همکاران. (۱۳۹۷). «ارائه *طرح مجتمع اخلاصیه هرات* (۸۸۰-۸۸٦ق)». ***معماری و شهر سازی آرمان شهر.*** (شماره ۲۵)، ۹۷-۱۰۹.

۳۰. غنیمه، عبدالرحیم. (۱۳۸۸). ***تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی.*** ترجمه نورالله کسائی. تهران: دانشگاه تهران.

۳۱. فرهانی‌منفرد، مهدی. (۱۳۸۲). ***پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور.*** *صفویان.* تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۳۲. فصیح خوافی، احمد بن جلال‌الدین. (۱۳۳۹). ***مجمل فصیحی.*** تصحیح محمد فرخ. مشهد: باستان.

۳۳. فوربز منز، بئاتریس. (۱۳۹۲). ***قدرت، سیاست و مذهب در عصر تیموریان.*** ترجمه حسن اسدی. تهران: مولی.

۳٤. کاشفی، فخرالدین علی بن حسین واعظ. (۲۵۳٦). ***رشحات عین الحیات.*** تصحیح علی‌اصغر معینیان. تهران: بنگاه نیکوکاری نوریانی.

۳۵. کی منش، عباس. (۱۳۷۴). «کتابخانه‌های ایران در دوره تیموریان». ***دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.*** (شماره ۱۳۳)،۱۵۵-۱۷۱.

۳٦. گودرزی، معصومه. (۱۳۹۰). «سیستم آموزشی در دوره تیموریان». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد.*** اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۳۷. مایل‌هروی، نجیب. (۱۳۷۰). «جایگاه آثار باخرزی در خراسان‌شناسی». ***مشکوه.*** (شماره ۳۱). ۱٦۸-۱۸۲.

۳۸. میرجعفری، حسین (۱۳۸۵). ***تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان.*** تهران: سمت.

۳۹. میرخواند، محمد بن خواند شاه بن محمود. (۱۳۸۰). ***تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفا.*** تصحیح جمشید کیان‌فر. تهران: اساطیر.

۴۰. نافچی، ریحانه. (۱۳۸۳). «نهاد آموزش در عصر حکومت تیموریان». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد.*** تهران: دانشگاه الزهرا(س).

٤۱. نظامی باخرزی، عبدالواسع. (۱۳۷۱). ***مقامات جامی؛ گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی خراسان در عصر تیموریان.*** به‌کوشش نجیب مایل هروی. تهران: نشرنی.

۴۲. نعمتی لیمایی، امیر. (۱۳۸۵). ***تاریخ آموزش و پرورش در روزگار فرمانروایی مغولان و تیموریان.*** تهران، امیدمهر.

۴۳. نوایی. میرنظام الدین علیشیر.(۱۳٦۳). با اهتمام علی اصغر حکمت. تهران. منوچهری.

٤٤. نیک‌پرور، محمد. (۱۳۵۱). ***کتابخانه‌های استان خراسان از آغاز اسلام تا عصر حاضر.*** مشهد: اداره کل فرهنگ و هنر خراسان.

۴۵. واصفی، زین‌الدین محمود. (۱۳٤۹). ***بدایع الوقایع***. تصحیح الکساندر بلدروف. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
٤٦. واعظ، اصیل‌الدین عبدالله. (۱۳۵۱). ***مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الآمال***. به‌کوشش نجیب مایل هروی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۴۷. وثیق، بهزاد؛ و رضا قدردان قراملکی. (۱۳۹۵). «مفهوم آموزش و تأثیر آن در معماری مدارس اسلامی (مقایسه‌ی تطبیقی مدارس سلجوقی و صفوی)». ***پژوهش‌های معماری اسلامی***. (شماره ۳)، ۴۰-٥٦.
۴۸. ویلبر، دونالد. (۱۳۷۴). ***معماری تیموری در ایران و توران***. ترجمه کرامت‌الله افسر. محمد یوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
٤۹. همایون فرخ، رکن‌الدین. (۱۳٤۷). ***کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران***. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
۵۰. هیلن براند، رابرت. (۱۳۸۰). ***معماری اسلامی***. ترجمه باقر آیت‌الله زاده شیرازی. تهران: روزنه.
۵۱. یوسف اهل، جلال‌الدین. (۱۳٥٦). ***فرائد غیاثی***. به‌کوشش دکتر حشمت مؤید. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۵۲. نسخ خطی
۵۳. مروارید، خواجه عبدالله. (بی‌تا). ***شرفنامه یا منشآت مروارید***. شماره ۲۲۵۴. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۵۴. ***منشآت ناشناخته***. (بی‌تا). نسخه خطی شماره ١٦٣٥٤. کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۵۵. ***منشآت ناشناخته***. (بی‌تا). نسخه خطی شماره ۸۵۵۲۹. کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
56. Subtelny, Maria E. (2007). ***Timurids in Transition: Turko-Persian Politics and Acculturation in Medieval Iran***. Leiden: Brill.